

چند سند تاریخی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات
پرمان جامع علوم انسانی

از

محمد رضا نصیری

(دانشجوی دکتری تاریخ)



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

یادداشت مجله

اهمیت و ارزش اسناد تنها در بررسی و تجزیه و تحلیل جریانهای سیاسی و تاریخی نیست بلکه در بازشناسی مسائل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و تمدن يك ملت نقش مهم و ارزنده‌ای دارد. با توجه باین موضوع مجله بررسیهای تاریخی دهر شماره چند سند و نامه از اسناد و نامه‌های تاریخی ایران را که در گوشه و کنار جهان پراکنده است و تاکنون در جایی چاپ نشده است، منتشر می‌نماید. تارفته‌رفته مدارك و اسناد پراکنده تاریخ ایران جمع‌آوری و برای استفاده پژوهندگان آماده گردد.

اینک آقای محمدرضا نصیری دانشجوی دکترای تاریخ عکس تعدادی از مدارك معتبر تاریخ ایران را از مجموعه نفیسی که در بایگانی ملی ترکیه مضبوط است گرفته و متن آنها را خوانده و برای درج در مجله بررسیهای تاریخی فرستاده‌اند. ضمن سپاسگزاری از آقای محمدرضا نصیری، تعدادی از این اسناد را در این شماره انتشار میدهیم.

بررسیهای تاریخی



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

از : محمد رضا نصیری

(دانشجوی دکتری تاریخ)

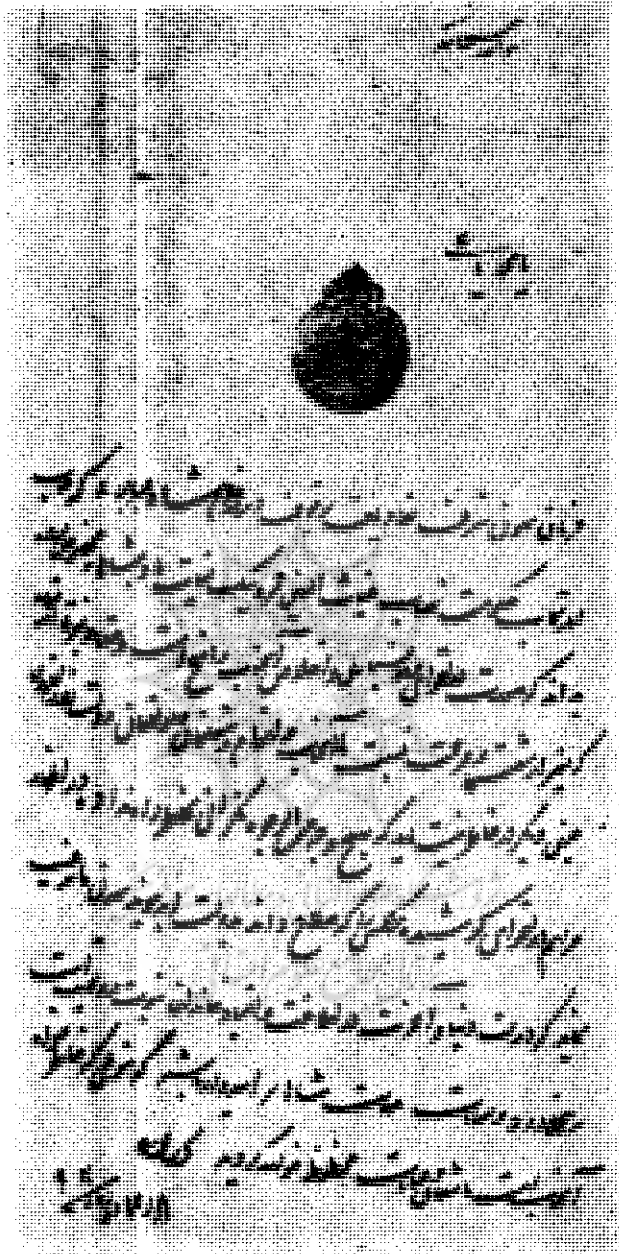
= ۱ =

نامه شاه اسماعیل
به غیاث‌الدین حمزه بیگ^۱
هو الله سبحانه
یا محمد یا علی
مهر شاه اسماعیل

فرمان همیون شرف نفاذ یافت بوقوف دیرینه غلام شاه عبدالباقی که جناب امارت‌مآب حکومت نصاب غیاث‌الدین حمزه بیگ بعنایت پادشاهانه مخصوص بوده بدانند که صورت دولتخواهی و جانسپاری و اخلاص آنجناب واضح است و حقاً و بعزّة الله تعالی که بغیر از شفقت و مرحمت نسبت با آنجناب و اقوام و متعلقان و موافقان دولت روز افزون چیزی دیگر در خاطر نیست. باید که بهیچ وجه من‌الوجه نگرانی بخاطر راه نداده در اظهار مراسم دولتخواهی کوشیده هرکس را که صلاح‌داند بدولت ابد پیوند همیون ماترغیب نماید که دولت دنیا و آخرت در اطاعت و انقیاد خاندان نبوت و ولایت است. برین جمله رود و بعنایات بینهایت شاهانه امیدوار باشد که بنوعی که خاطر خواه آنجناب است باشفاق و عنایات محظوظ خواهد گردید.

تحریراً فی ۱۸ جمادی الثانی سنه ۹۲۰

۱- اصل‌نامه بشماره E-۱۲۰۴۸ در آرشیو موزه توبقاپوسرای در استانبول ضبط است



نامه مصطفی خان سفیر نادر به احمد پاشا والی قارص

شاه شاهان

پیوسته اختر دولت و ابهت و مناعت و جلالت و کوکب سعادت و حشمت و نبالت و بسالت از وصمت هبوط و محاق و آفت احتراق مصون بوده کامیاب حصول آمال باشند .

بعد از تبلیغ دعوات و اقیات مشتاقانه مشهود رأی موالات پیرای مبرزیا میدارد که مکتوب مودت اسلوب گرامی سمت وصول یافت و موجب مزید سواد و وداد گردید. شرحی که در باب آمدن موکب همایون در سال قبل بقارص و ظهور خرابی از غازیان کاصحاب دین نسبت بمحال آن نواحی با وصف اظهار دوستی و اتحاد مذهب و قضیه سرعسکر و بقتل رسیدن جمعی از عسکر عثمانی در عرض راه در اثنای گریز و تناقض و تخالف اینمعنی با ادعای دوستی نوشته بودند مراتب مزبوره هرکدام جوابی دارد .

آنعالیجاه الحمد لله صاحب عقل و انصاف اند، وزیر و صاحب اختیار و در میان کار بوده اند ازاله آثار رفض و تکلیف مقدمه رکن و سر مذهبی باند دولت و رفتن بر سر موصل و مراجعت کردن برسم دوستی و دوباره باند دولت اعلام کردن معلوم رأی سامی و مفهوم دور و نزدیک میباشد. چون احمد پاشای سرعسکر سابق و

۱- اصل نامه در آرشیو ملی ترکیه در استانبول بشماره ۲۰۸ خط همایون ضبط است بقطع ۲۸٫۸ × ۴۷٫۳ سانتی متر

محمد علی رفسنجانی در قارض میبود خبر تشریف آوردن آنعالیجاه نیز بمسامع علیه میرسید مکتوبی هم آنعالیجاه برستم خان سردار سابق ایروان نوشته بودند حاضر و در خاطر سامی خواهد بود که در آنجا درج کرده بودند که مأموریم که صفی میرزا را برده در اصفهان متمکن سازیم. لهذا رایات نصرت آیات عازم قارض شد و سوای این باعشی برعزیمت موکب همایون نبوده باین جهات متوجه قارض شده باشند. باوصف این ، چگونه باز تقصیر بر اینطرف لازم خواهد آمد با وصف اینکه ازینطرف اینهمه سعی در ترویج مذهب اهل سنت و نشر حقیقت خلافت خلفای ثلاث شده ایلچیان عظیم القدر برای دوستی بآندولت والا فرستاده باشند گنجایش نداشت که باین نحو در مقام تلافی در آمده محمد علی رفسنجانی را اسم سلطنت گذاشته بایران مأمور و اینگونه عبارات را در فرامین و نوشتجات بنویسند. نزد خردظاهراست که پادشاهی منوط بتقدیر و رضای الهی است بلکه چنین اتفاق میافتاد که موافق تمنای اعیان آندولت بر فرض محال که او شاهزاده می بود او را در ایران تسلطی بهم میرسید هرگاه اولاد شیخ صفی که تسلط یافته اند تا حال مفسد آنها باقی باشد چنین شخصی که بدست عجم می افتاد خود انصاف دهند که تجدید مفسد سابق چگونه میشد اعیان آندولت خدا و رسول خدا و خلفای اکرم را چه جواب میدادند .

آنچه در باب سرعسکر و تفرقگی عسکر نوشته بودند که بقضای الهی اتفاق افتاده مشارالیه ده روز بیشتر در اینجا توقف کرد دفعه اول که جنگ شد دو فرسخ تا اردوی او مسافت داشت

شکست خورده قشونهای کاصحاب دین تامطریس او ایشانرا تعاقب کرده جمعی کثیر از پاشایان و رؤسا و بیرق داران و عساکر او بقتل رسیده برطرف شدند و سرعسکر در مطریس خود متحصن شده راه آذوقه بر او مسدود شد لاعلاج شده شکسته و بیغولهای زمین را بدست گرفته سنگر خود را باحتیاط و هرروزه ربع فرسخ پیش آورده در میان خاک و سنگر جرأت مقابله نمیکرد لابد بنا را با اعیان عسکر بیورش گذاشت چون عسکر از مقابله و جنگ میدان مایوس بودند دیدند که در میان مطریس و زمین شکسته چه کار توانستند ساخت که در میدان جنگ بسازند و معلوم بود که بعد از آنکه از پشت مطریس بمعرکه می آمدند امید حیات برای ایشان نبود لابد بایست یا بحرف سرعسکر عمل کنند یا جان بسلامت بدربرند. آنعالیجاه از قشون خود تحقیق نمایند که همانروز که اینمقدمه واقع شد پانصدششصد نفر از آدم او را که در خارج اردوی او بود برطرف کرده عسکر او را که برای گاه و غله برآمده بودند تعاقب کرده بمطریس او داخل کردند. باوصف این شکستهای مکرر و مسدود بودن راه آذوقه و ذخیره برچنین عسکری چگونه توقع قرار و ثبات میتوانست داشت و چه قسم راه شبهه در فرار ایشان باقی خواهد ماند و مردن سرعسکر هم معلوم که چه حالت دارد .

اینکه در باب قتل و گرفتاری جمعی از ایشان نوشته بودند بعد از آنکه آنجماعت از میان مطریس آغاز هزیمت کرده بودند قشونهایی که در اطراف بمحافظت مطریس ایشان و سد طرق قارص مأمور بودند بدون امر و اشاره اقدس بایشان در آویختا

هریک را که منزل اجل نزدیک بود بمعرض تلف درآمدند . معهدا معلوم است که آنجماعه از برای کشتن و کشته شدن و بجنگ آمده بودند و بطریق دوستی و میهمانی نیامده بودند در اینصورت آنچه بمقتضای تقدیر و نصیب درباره هریک اتفاق افتاده باشد متضمن گله‌مندی نیست . باوصف اینمعنی جمعی ازگرفتاران را مرخص و مصحوب جامیش حسن آقا روانه آنصوب فرمودند .

و بر رأی انور مخفی نخواهد بود که مدتیست که ازینطرف سعی در سازگاری میشود و پارسال احمد افندی کسری یلی را هم بااطلاع آنعالیجاه برای تبلیغ پیغام بدربار خلافت مدار عثمانی فرستادند مومی‌الیه مرد بیغرض و در میانه به تبلیغ پیغام مأمور بود و جزیره نماند که او را نفرستادند معهدا اعلیحضرت ، ازینمعنی غبار کلال بخاطر اقدس راه نداده درینوقت که قضیه سر عسکر واقع شده دست از تکالیف معهوده برداشته و مجدداً فتحعلی بیگ ترکمان را با نامه همایون برای اظهار دوستی از راه بغداد روانه دولت علیه عثمانیه فرمودند و فسخ تکالیف معهوده بی‌شبهه و صریح و رسم دوستیها صحیح است شاه شاهان قبل‌ازین باهل ایران فرموده بودند که قایل این عارضه نیستند ازین مطالب دست برمی‌داریم . درینوقت چون دیدند که اعیان آندولت از قبول این تکالیف راجل‌اند و برایشان بسیار شاق است و مؤدی بقتل و خونریزی مسلمانان میشود و اهل ایران شایسته این کوشش و تلاش نبودند لهذا دست از آن مطالب برداشتند . شاه‌شاهان را حرف یکیست و مذاهب اهل سنت در ایران استمراراً من بعد موالفت

استقرار دارد. در میان دو دولت دوستی است و پیغام قارص برای این بود که اگر در آنجا جمعیتی از عسکر عثمانی باشد لازم خواهد بود که موکب همایون عازم آن سمت شود الاقشون شکسته را تعاقب کردن و رعایا را پامال نمودن از مروت دور است و لایق این دولت نیست. اگر شاه شاهان را خیال بدی در خاطر می بود فرصتی بهتر از امروز بدست نمی آید بعد از آنکه متوجه آن سمت می شدند البته هیچ قسم حاجز و حایلی از برای هیچ مطلب باقی نمی بود و چون نامه که باعلیحضرت پادشاه ظل الله و خلیفه اسلام پناه نوشته اند جواب آن تا پنج ششماه دیگر میرسد منظور اقدس آنست که از راه خوی و دمدم و مراغه و همدان روانه اصفهان شوند و بنابراینکه محمودی و بایزید و خاک وان سر راه است عبور موکب منصور از آن نواحی اتفاق خواهد افتاد وان شالله تعالی از آن سمت عازم اصفهان خواهند بود و قشونهای اضافه را مرخص و مقرر فرمودند که در ولایات آذربایجان مشغول بیلاق و قشلاق باشند در اصفهان هر نحو جواب که از دولت عثمانی برسد فراخور آن عمل و اگر ضرور شود بعد از نوروز باز موکب اقدس در آذربایجان حاضر خواهد بود.

چون لازم بود باعلام این مراتب پرداخت. ایام دولت و جلالت مستدام باد.

تاریخ ۱۱۵۹

مهر: پشت نامه عبده مصطفی ایلچی نادر شاه

سوادنامه ابراهیم شاه برادرزاده نادر شاه به سلطان محمود عثمانی^۱

شمسالفلك السلطنة والعظمة والابهة والنصفة والمعدلة والرحمة
والرأفة والبر والاحسان سلطان محمود خان بن سلطان مصطفى خان
خلدا لله ملكه .

الحمد لله الملك المتعال وهو المحمود في كل فعال، آغاز کلام میمنت
انجام و افتتاح صحیفه فرخنده ختام بر نمط خجسته نظام که مصداق
کلام الملوك ملوک الکلام تواند بود بنام لازم الاکرام خداوند علام
جل شأنه سزااست که ذات بيمثالش از وصمت تغير و زوال و نقص
تبدل و انتقال منزه و مبراست .

تعالی الله زهی بيمثل و مانند که خوانندش خداوندان خداوند
مالك الملکی که جهت نظام امور جهان در هیچ عصر و زمان آسمان
جهان بانی را از نجوم درخشان خسروان رفیع الشأن خالی نگذاشته ،
و خداوندی که در هر افقی از آفاق غروب کوکب لامع را بطلوع نجمی
ساطع قران داده و افول آنرا بظهور این مقارن داشته ، و درود از
حد افزون و تحیات از حساب بیرون شایسته روح مطهر و مرقد
منور شمع محفل رسالت آفتاب فلك جلالت گوهر درج نبوت اختر
برج فتوت مصدوقه کنت نبیا و ادم بین الماء والطین ، منطوقه و ما
ارسلناک الا رحمة للعالمین ، معزز بخطاب لولاک باعث خلق ارضین
و افلاک سید ابراهیمی نسب و سرور هاشمی حسب اشرف موجودات
واخلص کاینات واسطه آفرینش جهان مصلح اجرای کلیات کون و مکان

۱- اصل نامه بشماره B/۱۹۳ خط همایون در آرشیو ملی ترکیه در استانبول
ضبط است . قطع نامه ۴۴ × ۵۸٫۵ سانتیمتر

فخر رسل و هادی سبل و ناظم جزو وکل
 محمد عربی کز غبار مقدم او زمین همیشه بر افلاک افتخار کند
یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه وسلهوا تسلیماً و بر ارواح طیبه
 واجساد طاهره اولاد طاهرین و خلفاء راشدین او باد که هادیان راه
 یقین و حامیان حوزه دین مبین اند .

بعد از تزیین نامه موالفت اقتضا بنام یگانه بیهمتا و ستایش
 خداوند ولی الحمد و الثناء و درود مقربان درگاه کبریا از هار دعایی
 که از کنار جویبار آن نهال اصلها ثابت و فرعها فی السماء، بشو
 و نما یافته و انوار ثنایی که درخت طوبی مثال آن در روضه اقمین
 شرح الله صدره الاسلام پرورش پذیرفته و صنوف تحیاتی که از
 شاخسار گلزار خلوص نیت بترشح سحاب فتقبلها ربها قبول حسن
 غنچه امانی و امال متبسم و فنون تسنیماتی که از ریاحین بساتین
 مصادقت قرین آن نسیم اجیب دعوة الداع و شمیم فاستجاب لهم ربهم
 تنسم گردد نثار مجلس بهشت آیین و ایثار محفل ارم تزیین بندگان
 ثریا مکان اعلی حضرت گردون بسطت ثریا منزلت کیوان رفعت برجیس
 سعادت بهرام صولت خورشید فطرت ناهید بهجت عطارد فطنت
 قمر خصلت اسکندر نصفت، سلطان سکندر شأن سلیمان مکان خاقان
 جهانگیر جهان بان قآن اعظم رفیع الشأن شهسوار مضمار عدل
 و امتنان مظهر آثار ان الله یامر بالعدل والاحسان مظهر شمیم رأفت
 بی پایان معیی مراتب عدل و انصاف ماحی مراسم جود و اعتساف
 مخدوم اعظم السلاطین فی العالم ملاذ افخم الخواقین بین الامم سلطان
 البرین و خاقان البحرین ثانی اسکندر ذی القرنین خادم الحرمین
 الشریفین المخصوص باو فر الحظ من عنایت الله الملك المنان ظل الله
 الرحمن السلطان بن السلطان بن السلطان الخاقان بن الخاقان بن الخاقان
 لازالت علیا عتبه ملجأ لقاطبة الانام و سنیا سده سداً بین الکفر-

والاسلام نموده مرفوع رأی جهان آرای بیضا ضیا که مطرح اشعه فتوحات الهی و مهبط انوار نیر فتوحات نامتناهی است میدارد که : چون حل و عقد امور خلافت و جهان داری بکف کفایت مقدران عالم بالا مربوط و بست و گشاد مقدمات سلطنت و شهریاری بدست کارکنان **قل اللهم مالك الملك توتی الملك من تشاء منوط می باشد** و درین اوان میمنت اقران که **ممالك آذربایجان** مضرب خیام سپاه انجم احتشام و قشلاق اردوی ظفر فرجام گردیده این مستمند درگاه اله بمدلول کریمه شریفه **وتلك حجتنا ایتنا ابراهیم علی قومه ترفع درجات من نساء** سریر آرای سلطنت و شهریاری و زینت افزای اورنگ نصف و بختیاری گردیده جلوس و چون نظر بمضمون مؤالفت مشحون نامه مصافات تسامه که قبل از این بخاقان سدره مکان غریق بحار رحمت رحمن عم نامدارم طاب الله ثراه نگاشته قلم مودت رقم شده بود روایح مصالحة پادشاه رضوان مراتع سلطان مرادخان رابع بردالله مضجعه فیما بین دولتین علیتین بدماغ اطلاع خاص و عام و جمهورانام رسیده و موثیق مؤکده باوتاد کریمه **یا ایها الذین آمنوا اوفوا بالعقود** و ارکان رکین مشینده بمصدوقه **اوفوا بالعهد ان العهد کان مسئولاً** در تلو وثیقه نامجات میتنی برمسالمه و مصالحه بین الدولتین العلیتین بامنای دو دولت عظمی سپرده شده و در این اوان سعادت نشان که ازهار آمال در گلشن خاطر صداقت مظاهر شکفته و گلزار ضمیر دوستی تخمیر خواهشمند رشحات سحاب اطلاع برمجاری احوال خیرمآل آن منظور نظر عاطفت خدای متعال بود نامه مشکین ختامه همایون که بصحابت عالیجاه شہامت و بسالت دستگاه مقرب الخاقانی محمد کریم خان رقمزد **کلك درر سلك متشیان عطارد** نشان گردیده در مقام تشیید

مبانی صلح و صفا فرمان واجب الاذعان والابعموم وزرا و پادشاهان و بیگلربیگیان و ارباب اختیار سرحدات و ثغور ممالک محروسه سلطانی صادر شده بود که بدستور سابق ارکان رکن مصالحه و اتحاد جانبین را قایم و دایم دانسته امری را که منافعی مصافقات و یگانگی باشد مرتکب نشده احتراز و اجتناب را لازم شمارند مضامین مسطوره چنانچه باید بتمامها معلوم رأی مهر انتما گردیده از آنجاکه کوکب سلی الظهور رأفت خسروانه فروغ افزای ساحت قلوب احباب مودت اسلوب شده این امر خیر را اهتماماً اشعار فرموده بودند از این جهت که محض خیریت و رفاهیت رعایا و برایا بود که آن خلیفه اسلام مالک رقاب انام اعلام و همت والانهت پادشاهی بر آن مصروف فرموده اند این دوست هواخواه نیز غرض اصلی و مطلب کلی همین مدعا بود نظریمراتب مسطوره مجدداً ارقام قضا قدر قدر نظام بهمگی والیان و سرهنگان و بیگلربیگیان و خوانین سرحدات ولایات ممالک محروسه خاقانی صادر و مقرر گردید که بنحوی که از آن حضرت اعلی و دولت اسنی اعلام و قبل از این نیز این بنای خیر در میان دو دولت عظمی بوده مصالحه و دوستی منظور داشته از سرحد خود تجاوز و تعدی ننمایند و تجار خیرمدار را مراعات از لوازم شمرند. بنا بر اینکه در ایام عم نامدارم، سعادت و شوکت پناه حشمت و جلالت دستگاه عالیجاه عمدة الخوانین العظام مصطفی خان شاملو افشار که بامر سفارت مأمور بود بتقریب قدمت خدمت ممتاز و بعبودیت این سده سدره مرتبت سرافراز و محل اعتبار و اعتماد شهریاری و شناسائی قوانین و قواعد خدمتگذاری است مجدداً مأمور بتقبیل عتبه علیه والا وتلثیم سده سنیه علیا که مطلع السعدین دین و دولت و مجمع البحرین الفت و رأفت است نمودیم

که در مجلس ارم تزیین و محفل بهشت آیین بعد از تشیید بنیاد یگانگی و رفع مواد بیگانگی بگذارش آداب خدمت و ایصال نامه صداقت ختامه و گذرانیدن هدایای مرسوله از نظر خیریت منظر خورشید اثر و ترسیم رسوم شرفیابی فیض سعادت تبلیغ رسالت نماید .

از آنجا که آن شهریار کامگار برگزیده پادشاهان روزگار باین نیازمند درگاه کردگار بمنزله برادر بزرگ و همیشه از طرفین روایح عنبرین فوایح الفت و داد و یکجبهتی واتحاد بمشام مراد و مرام میرسیده پیوسته اقلام بدایع نگار و مقالید خامهای گوهریار فاتح ابواب مهر و موآلفت و گشاینده درهای مودت و مصادقت بوده باعث انبساط خاطر خطیر این نیازمند درگاه اله و شکفتگی ضمیر منیر معدلت انتباه کردند .

باقی همیشه ساغر کامرانی لبریز و باده کامروائی نشاء خیز و همواره با شاهد حسنی دولت و شوکت هم آغوش و بادوشیزه زیبای عظمت و ابهت دوش بردوش باد .

پشت نامه :

صورت نامه ایست که حالیا سلطان ابراهیم پادشاه ایران روانه دولت ابد مدت علیه عالیه نموده و اختلافی ندارد .

تاریخ ۱۱۶۲

مهر ایلچی ایران مصطفی خان

(عبده مصطفی)

نامه مصطفی خان به صدراعظم عثمانی^۱

مخلص عقیدت کیش و محب صلاح اندیش بعد از عرض و اهداء جواهر دعوات و وافیات اجابت آیات استجابت سمات و اتحاف تحف تحیات مخالفت علامات موالفت بینات که بهترین هدایای مخلصان ولایق ترین تحفه محبان است مکشوف رای ممالک آرای بیضا ضیای عالی و معطوف ضمیر خورشید تنویر متعالی که مطلع طلعه فیوضات الهی و مطرح اشعه تأییدات نامتناهی و عقده گشای تمنای جمهور انام انتظام بخش سلسله ایام است میدارد که .

در احسن اوان و ایمن زمان که جناب اخلاص توأمان متمنی و خواهان این احسان نمایان بود طلوع صبح عنوان نامه الطاف شمامه نامی که نامزد این اخلاص آیین شده بود ضیا افروز دیده انتظار گردید و از شرفیابی اهتزاز مطالعه ریاض مضامین ملاطفت قرین حقیقت آئینش غنچه های شکفتگی و نشاط و ریاحین خرمی و انبساط و اثمار الفت و ارتباط چید مقارن این حال سعادت مال نیز ورود مسعود میمنت نمود و ملاقات بهجت سمات مسرت آیات عالیجاه معلی جایگاه وزیر صائب التدبیر و مشیر مشتری نظیر مفخم مکرم جناب سعادت مآب معلی القاب دستور معظم الحاج محمد پاشا در دارالسلام بغداد اتفاق افتاده فی الحقیقه لوازم موالفت و ملاطفت و وداد و مراسم موافقت و میهمان جویی و میزبانی و

۱- اصل نامه در آرشیو ملی ترکیه بشماره G ۱۹۳۲ خط همایون ضبط است . بقطع ۴۴ × ۶۳۵ سانتیمتر

اتحاد در جمیع مواد مرعی و مسلوک فرمودند و چون در مطاوی نامه ملاطفات ختامه همای فحوای ارسال سواد نامه همایون دولت علیه سلطانیه بحضور سعادت مقصور بقلم حقانیت توأم بال گشا گردیده همانا سایه افکن تارک مدارک این خیرخواه هردو دولت ابد مدت شد حسب الاشاره لازم الاطاعة والبشاره سواد الفت مواد مذکور را تسلیم گماشتگان عالیجاه سعادت همراه وزیر عدیم النظیر معزی الیه نمود که ایفاد درگاه مسلمین پناه خلائق امیدگاه لازالت ظلال عنایتة ظليلة علی مفارق الافاق نمایند .

و بنابر آنکه عالیجاه معلی جایگاه سابق الالقاب سواد اتحاد مداد مذکور را ارسال میفرمود واجب و لازم بود که باین تقریب وسیله جوی اعلام و اشعار اینمدعا و مترصد گردد که از آنجا که همگی همت عالی نهمت آن فرشته خصلت باسایش و رفاه حال عباد و رجال که ودایع حی متعالند مصروف میباشد رجاء کامل و یقین حاصل است که انشاءالله الملك العلام امور و مهام بر وفق مراد و مرام عمأ قریب صورت تکمیل و اختتام پذیرفته آثار خیر و فواید آن الی یوم القیام عاید آن دولت ابد مدت علیه خاقانیه سپهر اختشام و این دولت گردون عزت عالیه سلطانیه معدلت فرجام گردد .

توقع و تربص از مکارم اخلاق آن منتخب آفاق آنکه نظربخلوص عقیدت و خیریت نیت این خیرخواه طرفین تا اوان سعادت ادراک حضور کثیرالنور همیشه از شمایم همیشه بهار تذکار و اظهار صحت ذات کثیرالبرکات ملکی ملکات خاطر منتظر و ضمیر مستخبر را مسرور و معطر فرمایند .

باقی آفتاب جهانتاب دولت و شوکت و عظمت و ابهت و بختیاری از مشرق سعادت و نصفت و کامکاری طالع و لامع و برمفارق مسلمین سایه گستر باد ، برب العباد .

سنه ۱۱۶۲

مهر - عبده مصطفی

ممنون گشاید و بسجده نشینان بفرموده...
کشف و پاکت آن بیاضی و طرفه...
دو رنگه که در آن رنگهای...
درین میان...
ماده...
تعمیر...
کند...
بینه...
در...
فر...
در

نامه مصطفی خان به صدر اعظم عثمانی^۱

مخلص صادق الاخلاص و معتقد کامل الاختصاص که علی التوالی
والتواتر صحایف ایام ولیالی را بدررغرر دعای دوام دولت آنحضرت
مزین و محلی دارد و بعد از اهدای تحایائی که لب غنچه اخلاص از
لطافت نفعات آن درچمن اختصاص متبسم شود و شامه صدق و صفا
از طرافت فوحات آن در گلزار عقیدت و وفا متنسم گردد و پس از
اتحاف طرایف دعائی که نسایم خلوص آن ریاض بهجت و نصارت
و خضارت و نفایح خصوص آن گلزار عقیدت را لطافت و طراوت بخشد
سامه گردون مسامه خاطر خطیر مهر تنویر و پیشگاه فلك دستگاه ضمیر
منیر خورشید تأثیر را که از لمعات انوار غیبی و لمحات اسرار لاریبی
مستفیض و مستنیر است بنثار گلهای الوان و ایثار غنچههای خندان
اظهار مدعا مزاحم میگردد که :

چون برسجنبل مهرضیای والا منطبع خواهد بود که در اکثر
اوقات صفحه لسان و صحیفه جنان بر قوم ذکر مآثر بهیه و شرح
مناقب سنیه مرقوم میباشد دیگر در آن خصوص خوض نمودن را بیمعنی
و تطویل لطایل دانسته باظهار اینمطلب مبادرت می ورزد که از آنجا
که نظر بوفور خلوص خیر خواهی دولتین علیتین پیوسته در فیافی
وسیله و بوادی فرصتی است که بذرایع صفوت و دایع خود را از
مذکورین ذیل و حواشی خاطر دریا مقاطر میساخته باشد درینوقت
که فرستاده مخلص از اردوی کیمهان پوی اعلی معاودت و از درگاه
آسمان جاه پندگان اقدس ارفع امجد همایون اعلی کمترین غلامان را

۱- خط همایون بشماره ۱۴۳ آرشیو ملی ترکیه ضبط است . قطع ۴۲ × ۵۶

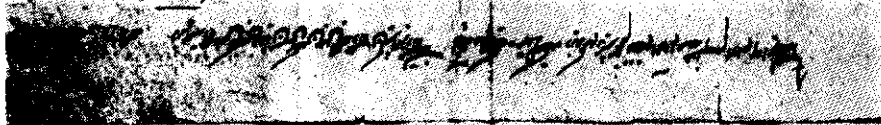
بارسال خلعت آفتاب طلعت فاخره ورقم قدر توام مبارك و تمهیه و تدارك امرسفارت بدون ثانی انفراداً قرین افتخار فرموده اند امر اقدس شرف نفاذ یافته که درین چندیوم نامۀ همایون مصافات مشحون را ارسال خواهند فرمود که بمخلص رسیده باعتماد توفیقات و تأییدات الهی و اعتضاد بخت همایون سعادت مقرون اعلیحضرت ظل اللہی بعد از نوروز فیروز بلا تأخیر بهمعنائی قاید تفضلات قادر معبود روانه آن کعبه مقصود و لوازم امرسفارت که همگان را محمود و عالمیانرا مقصود است تقدیم یابد .

و چون اینمعنی موقوف بر اذن و رخصت و تعیین مهماندار از طرف ذیشوکت و شرف دولت ابد مدت علیه میباشد و مخلص هم زیاده برین توقف نمودن در بغداد را مقرون بصلاح و صواب دولتین علیتین نمیداند بناء علیه لازم دانسته باین ذریعۀ المخالفت مبادرت و صورت رقم مطاعرا بجهت استحضار شروح مندرجه ملفوفاً روانه صوب صواب اوب حضرت گردون بسطت اعلی ساخت که بعد از تشرف بشرف تقبیل انامل فیوضات شامل وانطباع و انعکاس مفاهیم آن برجام جهان نمای خاطر آفتاب مآثر بدانچه مقتضی رای جهانگشای و امر و اشاره عالی بصدور و نفاذ پیوندد مقرر فرمایند که تخت و خیمه را که مرحوم احمد پاشا ضبط والی حال در تصرف گماشتگان والی دارالسلام بغداد میباشد تسلیم مخلص و انشاء الله الرحمن حرکت بعمل آید .

لهذا امید است که لدی شرف الوصول و عز الحصول در خصوص مأمول سزاوار همت و نیت بحر خاصیت حسن التفات مبذول و مخلص صافی طویت را از تحریر عطوفت نامه معلی از حضیض خمول قرین اوج اعتبار و قبول خواهند فرمود. باقی اسباب عظمت و جهاننداری و آثار ابهت و کامکاری لحظه بلحظه در توالی و تزیاید و کوکب اقبال جاودانی و اخترا جلال و کامرانی در ترقی باد . سنه ۱۱۶۳

پشت نامه

یا حفیظ تعالی شانہ العزیز - ذریعة الاخلاص بندگان ذیشان معلی مکان جلی
الجود والاحسان کثیر البر والامتنان عالیجاه والاجایگاه متعالی دستگاه وزیر مکرم
ومشیر مفخم نظام العالم صدراعظم ادام الله اجلاله العالی مهر - عبده مصطفی



موضوع این ناموس...
کتاب...
است...
مستاد...
و اگر...
بدر...
نخستین...
کتاب...
محل...
مهر...
مهر...
مهر...
مهر...